

بررسی جایگاه جهاد تبیین و مصادیق عملی آن در گفتار و سیره

اهل بیت علیهم السلام

امانی جواد^۱، سید عباس موسوی مقدم^۲

چکیده

قانون جهاد یکی از مهمترین احکام و آموزه‌های اسلام است که برای دفاع از توحید، رفع موانع و عوامل مزاحم از مسیر حرکت تکاملی انسان وضع و تشریح شده است. جهاد همان تلاش و مبارزه است و انواع و اقسامی دارد. برای مثال مبارزه علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فکری و... در هر برهه‌ای از زمان، جهاد خاص خودش را می‌طلبد. یکی از مصادیق مبارزه فکری، جهاد تبیین است. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی مسئله جهاد تبیین بررسی و مصادیق عملی آن در سیره اهل بیت علیهم السلام بیان شده می‌شود. بررسی سیره اهل بیت علیهم السلام روشن می‌کند که آنها برای دعوت و هدایت مردم و تبیین دین تلاش می‌کردند و از همه ابزارهای مفید و جذاب بهره می‌گرفتند. گاه مناظره، تدریس و پرسش و پاسخ داشتند، گاه موعظه داشتند، گاه خطابه می‌خواندند و گاه شعر می‌سرودند. سیره آنها کامل‌ترین الگوی جهاد تبیین است و انگیزه است برای اینکه افراد جامعه اسلامی در برابر امواج عقاید منحرف دشمنان، ایستادگی و مبارزه کنند.

واژگان کلیدی: جهاد تبیین، اهل بیت علیهم السلام، سیره عملی، نهج البلاغه، صحیفه

سجادیه.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی از لبنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران.

Email: Amani. m. jawad@gmail. com

ORCID ID:0000-0002-2840-1477

۲. استادیار جامعه‌المصطفی علیه السلام العالمیه، قم، ایران.

اسلام، خاتم ادیان الهی است و تمام احکام و قوانین آن در راستای رشد، ترقی و تکامل همه جانبه انسان هاست. این ظرفیت و کارکرد مهم به این دلیل است که احکام و آموزه های دین اسلام، منطبق و هماهنگ با فطرت انسانی است. قانون جهاد یکی از مهمترین احکام و آموزه های اسلام است که برای دفاع از توحید و رفع موانع و عوامل مزاحم از مسیر حرکت تکاملی انسان، وضع و تشریح شده است. جهاد اسلامی اهدافی را تعقیب می کند. این جهاد برای خاموش کردن فتنه ها، دفاع از خویشتن، محو شرک و بت پرستی و برای حمایت از مظلومان وضع شده است. در قرآن کریم در آیات مختلفی سخن از جهاد و وصف مجاهدان و پاداش آنها به میان آمده و حتی خداوند به جهادگران بیدار، سوگند یاد کرده است. تبیین، یکی از کارهای بسیار مهم برای مقابله با هرگونه انحراف و تحریف در ارزش هاست. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب بارها و در مقاطع گوناگون بر این مسئله مهم تأکید کرده است، اما شرایط فعلی جامعه باعث شده است تبیین، اهمیت مضاعفی پیدا کند. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب در سخنرانی پاییز ۱۴۰۰ به آن تأکید مضاعف کرد و از آن زمان، کلیدواژه جهاد تبیین وارد جامعه انقلابی ایران شد. هدف از این پژوه، تعریف چستی جهاد تبیین و بیان کردن اهمیت آن و بررسی آن در سیره اهل بیت علیهم السلام است. نوآوری نوشتار حاضر در بررسی مصداق جهاد تبیین در سیره اهل بیت علیهم السلام است.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. جهاد در لغت

جِهَاد (بکسر اول) مصدر است به معنای تلاش و نیز اسم است به معنی جنگ. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ۱۳۵/۳) جِهَاد (به کسر اول) مصدر جَاهَدَ، يَجَاهِدُ به معنای مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی های دیگر خود با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن است (طریحی، ۱۳۷۵، ۳۱/۳). جهد (به فتح اول و ضم آن) یعنی صعوبت و مشقت (معلوف، ۱۳۷۹، ۲۲۹/۱). چنان که در قاموس گفته است در اقرب الموارد، تلاش توأم با رنج معنی می شود. (شرتونی،



۱۳۷۴، ۴۷۶/۱). بنابر اقوال گذشته، معنای: «فلانی جهاد کرد» آن است که قدرت خود را به کار انداخت، متحمل مشقت شد، تلاش توأم با رنج کرد. جامع همه اقوال، قول اقرب الموارد است، پس جهاد و جهاد یعنی، تلاش توأم با رنج (قرشی، ۱۳۷۱، ۷۸/۲).

۲-۲. جهاد در اصطلاح

مهمترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، مانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن. (نجفی، ۱۳۶۰، ۳/۲۱). جهاد به معنای تلاش کردن و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف است، ولی چون از باب مفاعله است در مواردی به کار می‌رود که نوعی همکاری، تقابل و رقابت در آن وجود دارد. بنابراین، در جهاد، طرف دیگری هم در کار است و دوطرف در برابر هم صف‌آرایی کرده و هریک برای دستیابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری فعالیت می‌کند و هرچه در توان دارد به کار می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹). جهاد فقط در میدان جنگ نیست در میدان علم هم مثل بقیه میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی، تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری در حد معقول و پیشرفت و امید به آینده (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۲۹).

۲-۳. تبیین در لغت و در اصطلاح

تبیین از ریشه (ب ی ن) به معنای ایضاح، انکشاف و اشکار کردن است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۲۱۸/۶؛ مهنا، ۱۳۷۲، ۱۲۱/۲) در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران آمده است: «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ أَنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؛ ما آیات [و راه‌های پیشگیری از شر آنها] را برای شما بیان کردیم اگر بیندیشید». تبیین از ماده بین به معنای فاصله میان دو چیز است. در صحاح اللغة آمده است: «بین به دو معنای متضاد می‌آید: گاه به معنای جدایی و گاه به معنای اتصال است»، ولی به نظر می‌رسد که معنای اصلی همان‌گونه که در دیگر کتب لغت آمده، جدایی و فراق است، ولی چون جدایی از چیزی چه بسا باعث پیوستن به امر دیگری می‌شود به لازمه آن نیز گفته می‌شود. واژه تبیین در بسیاری از آیات قرآن به معنای

ظهور، انکشاف و وضوح آمده است. بنابراین، بینه به چیزی گفته می‌شود که دلیل روشن و آشکاری است؛ خواه عقلی باشد یا محسوس. به همین دلیل به دو شاهد عادل که در امور قضایی شهادتشان مدرک است بینه می‌گویند. به معجزات انبیا نیز بینه می‌گویند و بیان به معنای برده برداری از چیزی است؛ خواه به وسیله نطق باشد یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال (ناصر، ۱۳۸۶، ۲۱۳/۱).

۳. انواع جهاد

واژه جهاد و مشتقات آن ۳۵ بار در قرآن به کار رفته است. باید توجه داشت که جهاد، تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکاری، خواه نظامی باشد یا اقتصادی یا فرهنگی یا سیاسی همه را دربرمی‌گیرد. جهاد همیشه بار مثبت ندارد و گاهی در مصادیق منفی نیز به کار می‌رود. نمونه آن، آیه ۸ سوره عنکبوت است. در این آیه خداوند پس از آنکه انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش می‌کند، می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و اگر آن دو (مشرك باشند) و تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری از آنها پیروی مکن. بازگشت شما به سوی من است و شما را از آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهم ساخت». آیه ۱۵ سوره لقمان می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؛ و هرگاه آن دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است) از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

جز این دو آیه که در آنها تلاش و کوشش پدر و مادر برای مشرك ساختن فرزندشان جهاد خوانده شده - که طبیعی است هیچ‌گونه ارزش مثبتی بر آن بار نمی‌شود - واژه جهاد و مجاهده در آیات دیگر در مورد کوشش‌هایی به کار رفته است که انسان در مسیر تحقق اهداف صحیح و خدایسند انجام می‌دهد و بار ارزشی مثبت دارد. این‌گونه تلاش‌های مثبت، گاهی با استفاده از ابزارهای اقتصادی است که به آن، جهاد مالی می‌گویند مانند تأمین هزینه جنگ با کفار، مشرکان و

منافقان، کمک به فقرا و نیازمندان جامعه، کمک به تأمین هزینه بیماران و دردمندان، ساختن بیمارستان و مدرسه و مسجد و یا ساختن راه‌ها و جاده‌ها. گاهی نیز این تلاش‌ها جنبه نظامی دارد که در آن، خطرها و تهدیدهایی برای جان انسان وجود دارد و گاهی تا حد جان‌بازی و شهادت ممکن است پیش رود. گاهی نیز منظور از جهاد، مخالفت با نفس اماره است که با جهاد با نفس یا جهاد اکبر از آن یاد می‌شود. در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه جهاد در همین معنا به کار رفته است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۰) برخی هم جهاد را به جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی و جهاد با نفس تقسیم کرده‌اند.

۳-۱. جهاد ابتدایی

در این نوع جهاد، مسلمانان برای گسترش دین اسلام در سرزمین‌های کفر، اعتلای کلمه توحید، برقراری احکام اسلامی و نجات انسان‌ها از گمراهی و نادانی جهاد می‌کنند. این حرکت جهادی در پاسخ به حمله و هجوم دشمن صورت نمی‌گیرد، بلکه با هدف عرضه دین اسلام به کافران و گسترش این آیین نجات‌بخش در سراسر جهان تحقق می‌پذیرد. در جهاد ابتدایی، هدف مسلمانان، کشورگشایی و تجاوز به حقوق و آزادی‌های انسان‌های دیگر و گرفتن اموال آنها نیست، بلکه منظور اصلی آنها دعوت مردم به دین اسلام، گسترش حقایق دینی و ترویج شعائر مذهبی است. در قرآن کریم آیاتی درباره جهاد ابتدایی نازل شده است که مسلمانان را در پرداختن بدین امر حیاتی و انسان‌ساز راهنمایی می‌کند. در سوره توبه آیه ۱۲۳ آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید (و دشمن دورتر شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند). آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷).

هنگامی که خطری جان، دین، فرهنگ، اقتصاد، ارزش‌ها و اعتقادات مسلمانان را در سراسر جهان تهدید می‌کند یا انسان‌هایی مورد ظلم و ستم گروهی قرار می‌گیرند بر مسلمانان واجب است که برای دفع خطر و از بین بردن ظلم و ستم به میدان مبارزه و جهاد بیایند. این درحقیقت نوعی

جهاد ابتدایی است؛ زیرا حفظ شئون جوامع اسلامی و حمایت از کیان اسلام بر همه مسلمانان واجب است. ازسوی دیگر، مسئله اساسی اقدام به جهاد، ریشه‌کنی کفر، شرک، فساد، جایگزینی دین اسلام و برقراری مبانی آن است.

۲-۳. جهاد دفاعی

هنگامی که دشمنان به ناحیه‌ای از کشور اسلامی حمله کنند بر تمام مسلمانان واجب است درمقابل آنها از دین، کشور، شرف و ناموس خود دفاع کنند و برای حفظ آنها از مال و جان خود دریغ نوزند. در این جهاد، حتی بچه‌هایی که به تکلیف نرسیده‌اند، اما توانایی دفاع دارند و نیز زنان که در شرایط عادی، جهاد از ایشان برداشته شده است باید درحد توان خود در دفاع شرکت کنند. در جهاد دفاعی، اذن و اجازه حاکم شرع، لازم نیست و مسلمانان نباید در شرایط حساس هجوم دشمن منتظر اجازه ولی فقیه باشند. اگر کسی به سرزمین اسلام حمله کند و به مال، ثروت، استقلال و آزادی آنها تعرض کند برای آنکه مسلمانان را زیر سیطره خود درآورد در این شرایط، دین تکلیف می‌کند که مسلمانان به دفاع برخیزند و از سرزمین اسلام و عزت و سربلندی خود دفاع کنند و هرگز تسلیم دشمن نشوند. قرآن کریم درباره جهاد دفاعی می‌فرماید: «ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل على العالمين؛ و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد زمین را فساد فرامی‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد» (بقره: ۲۵۱). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۴۱)

در صدر اسلام جنگ‌ها بیشتر دفاعی بود و مسلمانان در جنگ‌ها پیشقدم نمی‌شدند، بلکه همواره به دفاع از خود می‌پرداختند و هنگامی که دشمن از جنگ دست برمی‌داشت آنها نیز از جنگ کنار می‌رفتند و به نشر دین اسلام و تربیت و تهذیب انسان‌های مؤمن می‌پرداختند. در جهاد ابتدایی، شرایطی مانند بلوغ، عقل، آزاد بودن، مرد بودن، سلامت از انواع بیماری‌ها و تمکن و قدرت بر ادای نفقه وجود دارد، اما در جهاد دفاعی، بسیاری از این شرایط وجود ندارد؛ زیرا هدف از این جهاد، دفاع هرچه سریع‌تر و بیشتر از مبانی اسلام و آبرو و شرف جامعه اسلامی و مسلمانان



است. بنابراین، در جهاد دفاعی، شرایط آسان‌تر شده است تا عده بیشتری از مردم را شامل شود و مسلمانان با تمام امکانات و نیروی خود از دین، جان و ناموس خود در برابر دشمنان تجاوزگر دفاع و با آنها مبارزه کنند.

۳-۳. جهاد با نفس

مبارزه با نفس اماره که به انجام دادن بدی‌ها فرمان می‌دهد، بالاترین نوع جهاد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد با نفس را جهاد اکبر نامید. حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله سپاهیان را به مقصدی گسیل داشت، پس از بازگشت آنها فرمود: مرحبا به قومی که از جهاد کوچک‌تر بازگشته‌اند درحالی که جهاد بزرگ‌تر برای آنها باقی مانده است. پرسیدند: ای رسول خدا! جهاد بزرگ‌تر چیست. فرمود: جهاد با نفس، سپس آن حضرت خاطر نشان کرد که برترین جهاد آن است که انسان با نفس خود که دربین دو پهلوئی او قرار دارد، مبارزه کند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۶۵/۷۰).

۳-۴. جهاد تبیین

یکی از جهادهای دفاعی، جهاد فکری است؛ زیرا ممکن است دشمن، طرف مقابل را غافل کند، فکر او را منحرف و دچار خطا کند. هرکس در راه روشننگری فکر مردم تلاش کند از انحرافی جلوگیری کند و مانع سوءفهمی شود از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش جهاد نامیده می‌شود. جهاد تبیین، مصداقی از جهاد فکری است؛ یعنی تبیین مفاهیم اصلی اسلام و انقلاب اسلامی به زبان رسانه‌های مدرن با هدف زمین‌گیر کردن دشمنان. بدون تردید جهاد تبیین، یکی از نیازهای اساسی امروز جامعه است و عدم انجام درست آن، نتایج زیان‌باری به وجود می‌آورد؛ زیرا نمونه عدم جهاد تبیین در صدر اسلام آن بود که پس از شهادت حضرت علی رضی الله عنه عده‌ای گفتند: «مگر علی رضی الله عنه نماز می‌خوانده است». در انجام این وظیفه مهم در درجه‌ای اول وظیفه همه ملت اسلام، مبارزه برای روشننگری است، سپس نقش حوزه علمیه و روحانیت بیش از سایر افراد جامعه است؛ زیرا تبلیغ و تبیین از رسالت‌های ابتدایی طلاب و روحانیون است و آنها وظیفه دارند با تبیین حقایق

مبانی فکری، ارزش‌های اسلامی و وقایع و دستاوردهای انقلاب اسلامی، مردم را با ارزش‌های اسلام حقیقی و آرمان‌های انقلاب آشنا کنند.

۴. ضرورت جهاد تبیین

هر برهه‌ای، جهاد خاص خودش را می‌طلبد. زمانی جهاد، جهاد کاری و جهاد اقتصادی بود. زمانی هم جهاد علمی و فرهنگی و گاهی به جهاد مسلحانه نیاز بود، اما امروز با تهاجم رسانه و فضای مجازی، دشمن درست در موضع مقابل اسلام کار می‌کند و یکی از اهداف مهم او تحریف حقایق دینی است. بنابراین، امروز به جهاد تبیین و روشننگری بیش از قبل احتیاج است. در مورد اهمیت جهاد تبیین، مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش فرمود: «مطلبی که من بیشتر می‌خواهم روی آن تکیه بکنم و توجه شما و دیگرانی که این صحبت را می‌شنوند جلب کنم، جهاد تبیین است که من این را مکرر تکرار کرده‌ام. جهاد تبیین، یک فریضه است. جهاد تبیین، یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری است و هرکسی که می‌تواند (باید اقدام کند). یکی از مهمترین وظایفی که نهادهای انقلابی و متولی جهاد تبیین و همچنین مسئولان و فعالان سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی برعهده دارند تبیین تئوریک و دقیق مفهوم راهبردی جهاد تبیین است» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۰، ۱۹/۱۱).

بدون شک آن‌گاه که دست تحریف دشمنان و رهنمان به سمت حقایق دراز می‌شود و دشمنان درصدد جلوه دادن حقایق و واقعیت‌ها برمی‌آیند، تبیین صحیح حقایق و نشان دادن واقعیت‌ها تکلیف الهی است که بر دوش اندیشمندان، آگاهان و عالمان زمان شناس قرار می‌گیرد. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ آن‌گاه که بدعت‌ها در امت من پدیدار شود بر انسان و ارونه آگاه لازم است که علم خود را آشکار کند، پس اگر عالمی چنین نکند مشمول لعنت خداوند قرار می‌گیرد» (کلینی، ۱۳۷۵، ۵۴/۱). چنین تأکیدی از ناحیه رسول اکرم ﷺ از آن روست که در معرکه بدعت‌ها و تحریف‌ها آنچه به مسلخ برده می‌شود حقایق و واقعیت‌هاست که با کتمان، تحریف و ارونه نشان دادن آنها نه فقط افراد



معدودی که ممکن است امت‌ها، نسل‌ها، جوامع و تاریخ به کلی گرفتار انحراف شود و شاید پس از آن بسیاری از طالبان حقیقت برای همیشه از نیل به آن محروم شوند. بی‌گمان، حضور و نقش‌آفرینی اندیشمندان و عالمان راستین در جبهه روبرویی و مقابله با بدعت‌ها و تحریف‌ها کار آسان و راه همواری نیست که بتوان آن‌را در شمار کارهای عادی و روزمره قرارداد، بلکه چنین حضور و تلاش علمی، خود نوعی جهاد فی سبیل‌الله است. جهاد در راه خدا ویژگی‌هایی دارد که از جمله آنها قرار گرفتن درمقابل دشمن، تحمل سختی‌ها و شدائد، خلوص و ایثار مال و جان و آبرو و آگاهی و شناخت دقیق از حقایق و واقعیت‌هاست.

تردیدی نیست که در میدان مقابله با چنین هجمه‌ای نمی‌توان به کارهای عادی و روزمره بسنده کرد. مقابله با جنگ نرم با چنین حجم و گستردگی در گرو جهادی فراگیر و همه‌جانبه است که در بیان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی از آن به جهاد تبیین یاد شده است. در این میدان باید به تبیین دقیق و تشریح مستند بسیاری از حقایق و واقعیت‌های فکری، اعتقادی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی پرداخت و با ابزارهای نشر و رسانه‌های مرجع و کارآمد آنها را در اختیار عموم مخاطبان قرار داد. گام اول در جهاد تبیین، شناخت دشمن و حربه‌های اوست. گام دوم در این میدان، شناخت دقیق و تخصصی حقایق و واقعیت‌هاست. گام سوم، تشریح روشن و مستند حقایق و واقعیت‌ها و گام چهارم، عرضه و نشر جذاب، متنوع و قابل فهم حقایق و واقعیت‌ها برای مخاطبان است. (رئیس انجمن علمی انقلاب، ضرورت جهاد تبیین و چهار گام مهم مقابله با هجمه‌های دشمن، ۱۴۰۰، ص ۹) اگر جهاد تبیین آن‌گونه که شایسته است، انجام شود راه جهاد در عرصه‌های گوناگون دیگر نیز هموار می‌شود. در این باب، سخن ذیل از رهبر حکیم انقلاب بسیار گویا و راهگشاست: «یک روز میدان، میدان نظامی است مثل دوران دفاع مقدس، دوران دفاع از حرم. اینجا میدان میدان نظامی است. آن روز خیلی‌ها وظیفه را تشخیص دادند و حرکت کردند و رفتند و وظیفه‌شان را انجام دادند. البته واجب کفایی بود؛ واجب عینی نبود. که البته در همین جا هم هیئت‌ها سنگ تمام گذاشتند که قبلاً عرض کردیم و بسیاری از این رزمندگان ما و شهدای ما بچه‌های هیئت‌ها بودند که رفتند و به شهادت رسیدند. یک روز عرصه علم است و جهاد، جهاد علمی است

باید علم را بالا برد. یک روز عرصه فعالیت‌های اجتماعی است یک روز عرصه خدمات اجتماعی است و خدمت به مردم. آن روزی که دشمن سعی می‌کند جامعه را در فشار اقتصادی قرار بدهد برای اینکه مردم را درمقابل اسلام، درمقابل نظام اسلامی قرار بدهد، آن روز اگر شما خدمت اقتصادی و اجتماعی به مردم بکنید، جهاد کرده‌اید درمقابل دشمن، ولی از همه اینها مهمتر عرصه تبیین و روشننگری است. اگر روشننگری بود همه این عرصه‌های گوناگون در وقت خود و جای خود وضعشان روشن خواهد شد و مردان خودشان را پیدا خواهند کرد» (بیانات در تاریخ ۱۴۰۰، ۳/۱۱).

۵. جهاد تبیین در قرآن

۵-۱. ریشه و اهداف جهاد تبیین در قرآن

قرآن کتاب تبیین است و رسالت انبیا، تبیین و تبیان است. تبیین یعنی، معلوم کردن مرزها، حریم‌ها، خط‌قرمزها، خطرگاه‌ها و جدا کردن حق و باطل وقتی خطر درآمیختگی و اقتباس و شبهه می‌رود. زادگاه همه فتنه‌ها به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام فقر و فقد تبیین است: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ، يَخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَيَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ. فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مَزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ؛ منشأ فتنه و فسادها (درمیان مردم) پیروی از خواهش‌های نفس است و احکامی که برخلاف شرع صادر شود کتاب خدا (قرآن کریم) با آن خواهش‌ها و حکم‌ها مخالف است و (همچنین از اسباب فتنه و فساد آن است که) گروهی از مردم دیگران را بر خواهش‌ها و حکم‌های برخلاف دین یاری و پیروی می‌کنند (چون حق و باطل را درهم می‌نمایند فتنه و فساد ظاهر می‌شود)، پس اگر باطل با حق درهم نمی‌شد راه حق بر خواهان آن پوشیده نمی‌گردید و اگر حق درمیان باطل پنهان نمی‌بود دشمنان (هرگز) نمی‌توانستند از آن بدگویی کنند» (اصفهانی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۸).

در ادامه این خطبه علی علیه السلام از پنهان شدن دشمن پشت حق، لعابی از حق به باطل زدن و درآمیختن حق و باطل و ساختن فضاهای مه‌آلود و غبارزده و لغزاننده را اساس کار دشمن

می‌شناساند و نتیجه این کنش شیطانی را چیرگی و سلطه شیطان می‌داند و در این میان، تنها کسانی را رها یافته معرفی می‌کند که مشمول لطف و رحمت الهی باشند. اگر این شیوه شیطانی مستمر باشد که چنین نیز هست جهاد تبیین نیازی مستمر و مداوم خواهد بود. جبهه‌داران تبیین باید پیوسته و مستمر در مرصاد و کمین‌گاه باشند و عقلانیت تخریبی دشمن را رصد کنند و دانشمندان و روشمندان با آن مقابله کنند.

۲. اهداف جهاد تبیین در بیان قرآن

تبیین برای تقویت اندیشه‌ورزی و تفکر: «كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ این‌گونه خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد شاید اندیشه کنید» (بقره: ۲۴۲). تبیین، زمینه‌ساز تعالی اندیشه‌ها و زدودن ابهام‌ها، تشکیک‌ها و تردیدهاست. مسئولیت انبیا، تبیین و روشن‌گری بوده و معلوم است که اسوه‌بودن پیامبران ایجاب می‌کند که جهاد تبیین در مرکز توجه پیروان، باورمندان و ره‌پویان راه پیامبران باشد. تبیین زمینه‌ساز راه‌شناسی و راه‌یابی است: «كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ این‌چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید» (آل عمران: ۱۰۳). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۶۲) رسالت بزرگ جهادگران تبیین، نشان دادن راه درنهایت وضوح و روشنی است. وقتی دشمنان برای وارونه‌سازی افکار و تخریب ایمان و باورهای مردم به وسیله انبوه رسانه‌ها و با استفاده از هزاران متخصص هنر و رسانه و پشتیبانی‌های مالی و امنیتی به میدان آمده‌اند تا راه گم شود مجاهدان عرصه تبیین باید به میدان بیایند و با شناخت دقیق و عمق شیوه‌های دشمن و با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و امکانات روشن‌گری و راه‌نمایی کنند.

هدف دیگر تبیین در نگاه قرآن، درک حقیقت و نمایاندن حقیقت درمقابل نشان دادن چهره باطل است: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أُنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؛ به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار شود که او حق است» (فصلت: ۵۳). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۲) تبیین حق و درمقابل آن، تبیین و

نقاب برداری از چهره باطل، رسالت افسران جهاد تبیین و نیرنگ و فریب، غوغاسالاری، شبهه افکنی، تلاش در تحقیر و تمسخر و نادیده انگاری حق و تمسک به درشت‌نمایی ضعف‌ها و پنهان کردن موفقیت‌ها از شگردهای همیشگی جبهه باطل است. شناساندن حق و رسواسازی ترفندها و تبیین باطل، وظیفه و فریضه مجاهدان میدان تبیین است.

هدف دیگر تبیین در قرآن، رفع اختلاف است. اختلاف افکنی و ایجاد فضای متفاوت، تخالف و تعارض نگاه هرچند ممکن است از برنامه‌های دشمن باشد، اما گاه زاده طبیعی منظرهای گوناگونی است که به سمت مسائل و موضوعات گشوده می‌شود. قرآن، خود را مبین و رفع و دفع‌کننده اختلاف‌ها معرفی می‌کند: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ مَا قُرْآنَ رَا بِرِ تُو نَا زَلْ نَكْرَدِيمَ مَكْرَ بَرَا بَرَا اَيْنَكِهْ اَنچِهْ رَا دَر اَن اَخْتَلَا ف دَارِنْد بَرَا اَنهَا رُوشَن كَنِ» (نحل: ۶۴). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳) اختلاف‌زدایی زمانی ممکن و میسر است که فرایند اختلاف، دانش و روش اختلاف‌زدایی مشخص باشد. مجاهدان میدان تبیین با ریشه‌یابی اختلافات و گونه‌شناسی آنها بهترین روش را برای زدودن اختلافات برمی‌گزینند.

هدف دیگر تبیین در قرآن، نگاه‌دارندگی از خطا و لغزش است: «كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ اَيْن كُونه آيَات خُود رَا بَرَا بَرَا مَرْدَم رُوشَن مِي سَا زِد، بَا شْد كِه بَر هِي ز كَار كَرْدِنْد» (بقره: ۱۸۷). کار پروردگار و به تبع آن، انبیا و اولیای الهی، رساندن انسان‌ها و هدایت آنها به سمت تقوا یا پایش و خویشتن‌بانی است. هدف شیطان و پیروان شیطان، زمینه‌سازی برای خطا، لغزش، خروج از خط و کنار کشیدن از میدان است. در جهاد تبیین، شناخت و شناساندن لغزشگاه‌ها، روش‌های حفاظت و نگهداری از ایمان، دستاوردها و سرمایه‌ها بایسته و لازم است. سالکان و مجاهدان میدان تبیین باید شبهه‌شناس، آفت‌شناس و عالم به هر آنچه تقوای اجتماعی را تهدید می‌کند، باشند. تقوای سیاسی، تقوای اجتماعی، تقوای فرهنگی، همه در معرض خطر است و همین طلب می‌کند که حفاظت، صیانت، هشدار و انذار نیز مستمر و مداوم باشد.

بهبانه‌زدایی از دیگر اهداف تبیین در قرآن است: «لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ؛ تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند (و بر همه اتمام حجت شود)» (نساء: ۱۶۵). برای اینکه بهانه‌مندان نگویند: «نمی‌دانستم»، «کاش به من گفته بودند» و... باید حجت بر این‌گونه افراد تمام شود. جهاد تبیین راه را بر عذر، بهانه و توجیه می‌بندد.

بازدارندگی دشمن، میدان راز دشمن گرفتن و به‌جای انفعال، فعالانه در میدان بودن از اهداف جهاد تبیین است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛ هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید» (انفال: ۶۰). (مکرم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳) در این آیه، آماده کردن و آمادگی دائمی: «اعدوا» و به‌میدان آوردن همه توان (قوه) و امکانات نظامی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... برای ایجاد ترس و بازدارندگی: «ترجون» در دل دشمنان دین و مردم: «عدوا لله و عدوكم» توصیه شده است. می‌توان دریافت که نباید منتظر دشمن ماند تا دید که او چه می‌کند، بلکه باید پیش‌دستانه و فعالانه به میدان قدم گذاشت و حتی پیش‌بینی کرد تا پیش از اقدام دشمن، طرح و نقشه و نیرنگ او را خنثی کرد. با درنگ و تأمل در آیات و روایات مشخص می‌شود که جهاد تبیین مسئولیتی همگانی است هر چند نخبگان و دانشوران نقشی خطیرتر و سنگین‌تر برعهده دارند. این جهاد، مستمر، مداوم و همه‌گامی است و به فصل خاص و زمان خاص اختصاص ندارد. همچنین جهاد تبیین، مکان‌مند نیست و همه‌جا باید صورت گیرد و اختصاص به مسجد و منبر و رسانه‌های مکان و زمان‌مند ندارد. خانه، خیابان، رسانه‌ها و... همه و همه فرصت تبیین هستند. جهاد تبیین، به‌کارگیری همه امکانات، ظرفیت‌ها و موقعیت‌ها را می‌طلبد. بنابراین، همه‌چیز و همه‌کس در خدمت جهاد تبیین قرار گیرد و این جهاد هم عمل است و هم عکس‌العمل، هم دفاع است و هجوم، هم پیشگیری است و هم پیش‌تازانه (سنگری، ۱۴۰۱، ۲/۲۴).

۶. جهاد تبیین در عصر حاضر

عمیق بودن دین، پیچیدگی انسان در تحریف و توجیه‌پذیری و نیز گستره عملیات روانی دشمنان اغواگر و شبهه‌افکنی، ضرورت تبیین را افزایش می‌دهد. براساس روایات، شیعیان در آخرالزمان اختلافات فراوانی پیدا خواهند کرد. در روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام آمده است: «اِخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ بَيْنَهُمْ وَ سَمَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ يَتَّقُلُ بَعْضُهُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱/۳۴۰). روایتی از امام صادق علیه‌السلام با بیان اینکه اختلافات شیعه در آخرالزمان ریشه در نادانی دارد در آخرالزمان با وجود افزایش اطلاعات، برداشت‌ها از دین متفاوت شده و اختلافات درمیان شیعیان به‌ویژه اهل علم افزایش می‌یابد. بنابراین، باتوجه به این روایت، حتی دربین شیعیان، نیاز به جهاد تبیین است.

۷. نمونه‌های تاریخی جهاد تبیین

نخستین و اساسی‌ترین هدف بعثت پیامبران، دعوت به توحید و یکتاپرستی و نفی هرگونه شرک و طاغوت است. هدف دیگر بعثت پیامبران، اصلاح فرد و جامعه در تمام جنبه‌هاست. درزمینه اصلاح اجتماعی، مهمترین کار پیامبران الهی را می‌توان در ازمین بردن ارزش‌های جاهلی و کاذب و معیارهای نادرست و جایگزینی ارزش‌های الهی دانست. بار امانت رسالت برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنان مهم بود که حاضر نشد آن را با ثروت‌های مادی و به فرموده خودش با ماه و خورشید هم عوض کند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سخن ارزشمندی، پایداری، مقاومت و اراده آهنین خود را در راه هدف به‌نمایش گذاشت و هنگامی که حضرت ابوطالب پیشنهاد مشرکین را مبنی بر خودداری آن حضرت از ابلاغ پیام آسمانی خویش به وی بیان کرد به عمویش ابوطالب فرمود: «ای عمو! به خدا سوگند اگر آنان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند که از دعوت آسمانی خود دست بردارم هرگز نخواهم پذیرفت تا اینکه یا خداوند دین مرا پیروز کند و یا اینکه جانم را در راه آن از دست بدهم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ۹/۱۴۳). ازاین‌رو، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در راه اجرای رسالت، سختی‌های بسیاری تحمل کرد و برای هدایت انسان‌ها و ابلاغ پیام توحید، بیش از طاقت خود تلاش می‌کرد تا جایی که خدا در چند مورد به حضرت خطاب کرد: «از اینکه مشرکان ایمان نمی‌آورند تو شاید خود



را تباه سازی» (شعرا: ۳). خود حضرت نیز فرموده که هیچ پیامبری در راه رسالت خود مثل من سختی ندیده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ۵۶/۳۹). پیامبر ﷺ وقتی برای تبیین دین و انجام رسالت به طائف رفت باوجود آنکه مورد آزار و اذیت قرار گرفت، اما بر جهاد تبیین خود اصرار می کرد و درحالی که در ظاهر به نظر می رسید شکست خورده است، اما این روشنگری بعدها ثمر داد. سراسر عمر پیامبر ﷺ جهاد تبیین و روشنگری بود و نتایج این جهاد هم فوق العاده بود و موجب پیوستن فوج فوج مردم به اسلام شد. بنابراین، تبیین بر مبنای سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ جهاد است و این جهاد حتی برتر و بالاتر از جهاد نظامی است و اگر کسی بخواهد اسلام، استمرار و گسترش پیدا کند با استفاده از تمام ابزارهای روز رسانه ای و فضای مجازی باید از الگوی جهاد تبیین بر اساس اصول و سیره نبوی پیروی کند. اهمیت جهاد تبیین در اسلام تا این حد بوده است که پیامبر ﷺ، امام علی ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ ابتدا در نبردها دست به شمشیر بردند و جهادشان دفاعی بود و حتی در این جهاد تا سرحد امکان تلاش خود را برای هدایت جبهه مقابل و تبیین واقعیت ها انجام می دادند. به عبارتی حتی در میدان جنگ نیز ابتدا بنای خود را بر تبیین و روشنگری قرار می دادند تا هم جنگی صورت نگیرد و هم افراد گمراه و غافل هدایت شوند و در تباهی و غفلت از بین نروند و بتوانند به سوی جبهه حق بیایند. برای اینکه وظیفه جهاد تبیین به درستی انجام شود باید از الگوی تبیین پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ پیروی کرد. رساندن محتوای وحی و پیام به مخاطبان از اولین ضرورت ها و وظایف پیامبران الهی بعد از دریافت وحی توسط آنها بوده است؛ زیرا هدف از نزول وحی، رساندن آن به کامل ترین شکل ممکن به مردم بود تا برای آنها قابل فهم و استفاده باشد. بنابراین، پیامبران الهی از بهترین شیوه ها و ابزار ممکن برای این کار استفاده می کردند تا پیام را به مخاطبان منتقل کنند. تبلیغ و دعوت به اسلام و به طور کلی به ادیان و خوبی ها نیاز به به کارگیری شیوه های تبلیغ دارد که باید متناسب با اهداف و محتوای آن باشد. بنابراین، از هر روشی هرچند مؤثر نمی توان برای تبلیغ اسلام استفاده کرد. در قرآن و سیره معصومین ﷺ روش ها و شیوه هایی برای تبیین با توجه به اصل و مهم بودن این وظیفه بیان شده تا پیام و محتوای آن به مخاطبان به کامل ترین شکل ممکن منتقل شود. در مقاله حاضر سعی

شده است که قسمتی از این روش‌ها و شیوه‌ها باتوجه به روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام بیان و بررسی شود.

۷-۱. جهاد تبیین با تربیت مبلغان و فرستادن آنها به مناطق مختلف

باتوجه به جو اختناق در مرکز خلافت اسلامی، ستم بنی‌امیه و بنی‌عباس، ممانعت آنها از نقل حدیث و اجرای حقیقی اصول و مبانی اساسی اسلام، ائمه اطهار علیهم‌السلام در ابعاد سیاسی، علمی و اجتماعی مجال کافی در تحقق اهداف خود را نداشتند. بنابراین، آنها اگرچه با مردم در ارتباط بودند، اما در آن شرایط سخت که دستگاه حاکم مانع اهدافشان بود برآن شدند تا به تربیت شاگردان برجسته‌ای مانند سلمان، عمار، ابوذر، زراره، ابوبصیر، هشام و برخی دیگر پردازند و توسط آنها به آموزش و تربیت مردم همت گمارند. در زمان امام صادق علیه‌السلام شاگردان بسیاری برای استفاده از محضر آن حضرت از مناطق گوناگون رهسپار مدینه می‌شدند و پس از فراگیری علم یا در آنجا ماندگار می‌شدند و یا به مناطق خود بازمی‌گشتند، چنان‌که محمد بن مسلم کوفی مدت چهار سال در مدینه از محضر امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام بهره برد و سپس به موطن خود بازگشت. روش ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه امام صادق علیه‌السلام به‌گونه‌ای بود که شاگردان خود را به سمت اجتهاد سوق می‌داد تا در مناطق گوناگون جهان اسلام و در هنگام عدم دسترسی مردم به پیشوایان دین به تعلیم و تربیت آنها پردازند. بدین‌روی، جمیل بن دراج و زراره، حلقه درس داشتند و یا در جواب برخی از شیعیان که از امام سؤال پرسیدند: «هنگامی که سؤالی برای ما پیش بیاید به چه کسی مراجعه کنیم»، امام علیه‌السلام فرمود: «چرا به محمد بن مسلم ثقفی مراجعه نمی‌کنید که او نزد پدرم، وجیه و محترم بود و از او حدیث شنیده است». امام علی علیه‌السلام باتوجه به شایستگی‌های مالک اشتر در زمینه‌های ولایت‌مداری، هوشمندی، کارآمدی و مدیریت سیاسی هنگامی که او را به حاکمیت مصر گمارد درباره وی به مردم آن دیار نوشت: «من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما روانه کردم که در روزهای هراس نمی‌خوابد و در ساعت‌های ترس از دشمن روی بر نمی‌تابد. او مالک اشتر نخعی است. به او گوش سپارید و تا آن‌گاه که حق می‌گوید از او فرمان برید که او شمشیری از



شمشیرهای خداست اگر به شما فرمان داد که حرکت کنید، حرکت کنید» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۱۰۵/۱۸).

۷-۲. جهاد تبیین با مناظره و بحث آزاد

یکی از شیوه‌های جهاد تبیین ائمه معصومین علیهم‌السلام مناظره با سران مذاهب و ادیان و ملحدان و شبهه‌افکنان بود. این شیوه در زندگی امام صادق علیه‌السلام رنگ و لعاب بیشتری داشت. حضرت با ارباب دانش‌های گوناگون مانند پزشکان، فقها، منجمان، متکلمان، صوفیان و... بحث و مناظره می‌کرد که کیفیت بیشتر مباحث آنها در منابع اسلامی ثبت و ضبط شده است. مناظرات حضرت با چهره‌هایی مانند ابن ابی العوجا، ابن مقفع، ابوشاکر ایمانی، سفیان ثوری، ابوحنیفه، عمرو بن عبید و واصل بن عطا که هر دو از سران معتزله بودند معروف و مشهور است. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۵۷)

خلفای اموی و بیشتر خلفای عباسی نقل‌گرا بودند و در برابر هجوم ویرانگر فرهنگی موضع انفعالی داشتند، ولی پیشوایان معصوم به‌ویژه امام صادق علیه‌السلام به ترویج فرهنگ اسلامی پرداخته و دشمن را از همین راه خلع سلاح می‌کردند و نشانه آن، دو رساله ارزشمند است به نام‌های توحید مفضل و رساله اهل‌بجیه که از آن حضرت باقی‌مانده است (سبحانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲). این بخش از فعالیت آنان به اندازه‌ای در تاریخ اسلام انعکاس شفاف داشت که می‌توان چندین جلد کتاب قطور در این زمینه نوشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

۷-۳. جهاد تبیین با خطابه و شعر اهل بیت علیهم‌السلام

امامان علیهم‌السلام هنر سخنرانی خود را نیز در راه ارشاد و هدایت مردم به کار می‌گرفتند و حکمت‌ها و موعظه‌های زلال خویش را به کام انسان‌های تشنه علم و معرفت ریخته، جانشان را سیراب می‌کردند و در سخن و نوشته‌های خود، شعر و سخنان حکمت‌آمیز و پندآموز دیگران را نیز می‌آوردند. امامان علیهم‌السلام برای دعوت مردم به خدا از همه ابزارهای مفید و جذاب بهره می‌گرفتند؛ گاه موعظه داشتند، گاه خطابه می‌خواندند و گاه شعر می‌سرودند و شاعران متعهد را تشویق می‌کردند. تشویق شاعران متعهد در سیره امامان به معنای استفاده از هنر در تبلیغ دین است. حاصل سخن

اینکه یکی از مهمترین رسانه‌ها و ابزار انتقال پیام در عصر اهل بیت علیهم‌السلام خطابه و سخنرانی بود. آن بزرگواران از این ابزار بیشترین استفاده را برای رساندن پیام خویش می‌کردند. خطابه‌های دلنشین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکه و مدینه و خطبه‌های امام علی علیه‌السلام و سایر امامان علیهم‌السلام، قابل توجه و مثال‌زدنی است. به دلیل همین جایگاه ویژه و رسانه‌ای منبر بود که در تاریخ اسلام بر سر تسلط بر مسجد جامع شهر که محل تصمیم‌های بزرگ بود بحث‌ها، جدل‌ها و منازعات بسیاری انجام می‌شد. نمونه بارزی از خطبه‌های اهل بیت علیهم‌السلام خطبه امام سجاد علیه‌السلام در شام است. امام سجاد علیه‌السلام در دوران پراختناق بنی‌امیه عهده‌دار امامت و ولایت بود و با وجود دستگاه مخوف بنی‌امیه، امکان هرگونه فعالیت ارشادی محدود می‌شد. با این حال امام سجاد علیه‌السلام از ارشاد و نشر احکام اسلام فروگذار نکرد و مسائل اسلامی را بیان می‌کرد. امام سجاد علیه‌السلام در زمان امامت خود، جنگ نرمی علیه دشمن ایجاد کرد. خطبه امام سجاد علیه‌السلام در مجلس شام، پیام‌های متعددی از جمله اثبات حق داشت. خطبه‌های حضرت ثابت کرد که حکومت ظلم مانند خانه عنکبوت، سست و بی‌بنیان و قدرتش پوشالی و ازین رفتنی است. اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شرایطی وارد شهر شام شد که حدود ۴۰ سال در این شهر و اطراف آن برضد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام تبلیغات مسموم صورت گرفته بود.

سخنان امام سجاد علیه‌السلام در مجلس یزید، بیانگر شجاعت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بود. یکی از حساس‌ترین سخنان امام سجاد علیه‌السلام که تحولی عظیم در بینش مردم نسبت به امویان ایجاد کرد و معادلات یزید را برهم زد و خط‌مشی او را نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام تغییر داد خطبه‌ای است که آن حضرت در جمع مردم و رجال سیاسی و دینی شام ایراد کرد. یکی دیگر از نمونه‌های بارز خطبه‌های اهل بیت علیهم‌السلام خطبه امام حسین علیه‌السلام در مناست. امام حسین علیه‌السلام این خطبه را در مناست ایراد کرد تا به چهار هدف دست یابد که عبارتند از: شناساندن ماهیت ضداسلامی بنی‌امیه به مردم، روشن کردن این مطلب که قدرت داشتن به معنای حقانیت نیست، افشاندن بذر انقلاب برضد ستمگران و جهاد فرهنگی و نشان دادن راه و رسم مبارزه با بنی‌امیه. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲،

۷-۴. جهاد تبیین با ارسال نامه و پیام

آن رهبران شایسته به طور مکرر از فرستادن نامه و پیام کتبی و شفاهی برای ارشاد دیگران سود می‌جستند به طوری که نامه‌های رسول خدا ﷺ خود کتابی مستقل و پر حجم را تشکیل می‌دهد و قسمتی از نهج البلاغه، نامه‌های امام علی علیه السلام به افراد یا جمعیت هاست. نامه‌های فراوانی نیز از امامان دیگر در دست است که بیشتر آنها حاوی ارشاد و هدایت است. شخصی به نام یقطین می‌گوید: «من به فرماندار اهواز، مبلغ زیادی بابت مالیات بدهکار بودم که اگر آن را از من می‌گرفت از زندگی ساقط می‌شدم. از این رو به دادخواهی نزد امام صادق علیه السلام رفتم. آن حضرت طی نامه‌ای به فرماندار نوشت: به نام خداوند بخشاینده مهربان، همانا زیر عرش خدا، سایه‌هایی است که در زیر آنها ساکن نمی‌شود مگر کسی که اندوه برادرش را برطرف سازد یا به او خوبی کند هر چند یک نصف خرما باشد. اینک (این تو و) این برادرت» (کاشانی، ۱۳۹۴، ۱۲۷/۲).

۷-۵. جهاد تبیین با برگزاری کرسی تدریس

ائمه علیهم السلام معلمان حقیقی مردم هستند و سراسر زندگیشان درس انسانیت است و مانند رسول خدا ﷺ که طبیبی بود که بر سر بیماران خویش می‌رفت، به سراغ مردم می‌رفتند و با هروسيله‌ای که امکان داشت آنها را هدایت می‌کردند. تشکیل محفل درس به شیوه متعارف آن روز نیز از آن جمله است، چنان که درباره امام صادق علیه السلام گفته‌اند: «مدینه در عصر حضرت صادق علیه السلام شکوفایی خاصی یافت و جایگاه دانشمندانی شد که در حلقه‌های درسی که در بیت آن حضرت دایر می‌گشت شرکت می‌کردند و باید گفت: بیت امام به مثابه دانشگاهی بود که اقشار مختلفی در آن تعلیم می‌دیدند» (اسدحیدر، ۱۳۸۳، ۳۶۷/۱) و تعدادشان بر چهارهزار نفر بالغ می‌شد» (عاملی، ۱۳۷۹، ۶۶۶/۱).

۷-۶. جهاد تبیین با پرسش و پاسخ

شیوه دیگر ارشادات ائمه علیهم السلام در قالب سؤال و جواب‌های آن بزرگان بود که گاه با طرح پرسش‌های فکری و علمی، اذهان مردم را به جست‌وجو و آگاهی داشتند و گاه درماندگی و بی‌مایگی دشمنان خود

را برملا می‌کردند. همین‌طور پاسخ‌های منطقی و گران‌قدری که به سؤال‌های دانشمندان و محققان می‌دادند گره‌های فراوانی را از مشکلات علمی و فکری مردم گشوده است. امام علی علیه السلام بارها برای پاسخ‌گویی به همه پرسش‌های مردم، اعلام آمادگی کرد و فرمود: «سلونی قبل ان تفقدونی؛ پیش از آنکه مرا از دست بدهید (هرچه می‌خواهید) از من بپرسید» (شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳۸/۲). روایات فراوانی که به صورت پرسش و پاسخ در میان آثار ائمه علیهم السلام یافت می‌شود نتیجه گفت‌وگوهای ایشان با تشنگان علم و معرفت است که از کوثر زلال حاملان وحی خدا سیراب می‌شدند.

۷-۷. جهاد تبیین با استفاده از دعا

هنگامی که جامعه دچار انحراف شده، روحیه رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را محاصره کرد و از نظر سیاسی، هیچ‌روزنه‌ای برای تنفس وجود نداشت امام سجاد علیه السلام توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. می‌توان گفت که مردم می‌توانستند از لابه‌لای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام علیه السلام آشنا شوند. حضرت به‌طور مکرر در ادعیه خود از صلوات بر محمد و آل محمد استفاده کرد و یکی از علائم دعاها درست، همین است و این در زمانی است که حتی قرار دادن نام علی بر فرزندان، تقبیح می‌شد و کار امویان جز با دشنام دادن به امام علی علیه السلام نبود. (البلاذری، ۱۳۷۶، ۱۸۴/۱) صحیفه سجادیه مشهور که تنها بخشی از دعاها امام علیه السلام است نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشت. یکی از مضامین مهم سیاسی-دینی صحیفه، طرح مسئله امامت بود. حضرت می‌فرماید: «پروردگارا! بر پاکان از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله درود بفرست، کسانی را که برای حکومت برگزیدی و گنجینه‌های علوم خود و حافظان دینت گردانیدی» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷ فقر).

۷-۸. جهاد تبیین با تبلیغ در مراسم حج

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام همواره تلاش می‌کردند که در موسم حج از فرصت‌های گران‌بهای که برای تبلیغ دین و ارشاد و هدایت مسلمین فراهم آمده است بهره‌کافی گیرند و این فرصت طلایی را از دست ندهند. به‌ویژه که مسئله تبلیغ از مسائل بسیار مهم اسلام است و این سخن‌گراف نیست که: «حیات، رشد، شکوفایی و بالندگی این دین مبین و گسترش آن در سطح جهان و در میان همه نژادها و ملت‌های مختلف به استمرار و گسترده‌گی تبلیغ بستگی دارد و اگر مسلمانان آگاه، این امر مهم را با رعایت همه شرایط و ویژگی‌ها به‌شیوه مطلوبی انجام دهند و از فرصت‌های مناسبی که در اعصار، ادوار و در کشورها و بلاد مختلف پیش می‌آید، بهره‌گیرند آهنگ پیشرفت اسلام تندتر خواهد شد». پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشعل‌داران هدایت یعنی، ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز برای آگاهی دادن مردم از موسم حج بهره‌گرفتند و آنچه را در جای دیگر، ابلاغش میسر نبود از کنار خانه خدا به‌گوش مسلمانان رساندند. در فضای اختناق حاکم عصر اموی، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در سرزمین منابیش از هزارتن از وجوه صحابه و تابعین را در خیمه‌ای به حضور طلبید و آن‌گاه فضایل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به‌طور مشروح بیان کرد و از آنها خواست و آنها را به خدا سوگند داد که چون به دیار خود بازگشتند آن‌را به دیگران منتقل کنند تا حقایق دین به‌مرور زمان فراموش نشود (محمدتقی، ۱۳۸۷، ص ۶). امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام همچنین در مناسبت‌های مختلف از موقعیت حج برای روشن‌گری افکار عمومی و جلب توجه مردم به امامت و ولایت بهره‌گرفتند. از جمله می‌توان حرکت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از مکه به سوی عراق و قیام علیه نظام غاصب و تبه‌کار اموی تا شهادت را نام برد. وصیت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به فرزندش امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که برای افشای جنایات حاکمان زمان، مرثیه‌سرایان را گماشت تا طی ده‌سال در سرزمین منابیش آن حضرت سوگواری کنند. همچنین تأکید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در روز عرفه و موقف عرفات با صدای بلند بر اهمیت مسئله ولایت و امامت که در این مورد عمروبن ابی‌مقدم چنین روایت می‌کند: «در آن روز، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به مردم با صدای بلند می‌گفت: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ الْأَمَامَ ثُمَّ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام؛ و این جملات را سه بار و به چهارسوی:

از پیش رو و پشت سر و راست و چپ تکرار کرد که در مجموع، دوازده بار سخن آن حضرت به گوش مردم رسید». در کتب سیره و حدیث، شواهد بسیار دیگری را می‌توان یافت که امامان معصوم علیهم‌السلام در موسم حج و در عرفات و منا و در حال طواف، مردم را به ولایت اهل بیت توجه می‌دادند. شیعیان آزاده و شعرای اهل بیت نیز از این سیره پیروی کردند.

۵-۹. جهاد تبیین با گریه‌های سیاسی

شیعیان و اطرافیان اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به حالات آنها در زمان و شرایط مختلف حساس و دقیق هستند و از این حرکات و سکنتات به ملاک و معیارهای حق و اعمال صحیح پی می‌برند و در منابع دینی به عنوان سیره از آن یاد می‌کنند. امام سجاد علیه‌السلام بعد از واقعه کربلا دارای یک شیوه و رویه ممتدی در زندگانی خود شدند که همیشه همراه با حزن و گریه بوده است تا از این طریق به روشنگری بپردازند و جهاد تبیین ایشان بعد از حادثه عاشورا به این شکل باشد. در تأیید این ادعا به سخنان امام صادق علیه‌السلام استناد می‌کنیم که فرمودند: زین العابدین علیه‌السلام بیست سال گریه کرد. وقتی که غذا پیش آن جناب می‌نهادند اشک می‌ریخت؛ بالاخره یکی از غلامانش گفت: فدایت شوم یا بن رسول الله من می‌ترسم از بین روی! فرمود: اندوه و ناراحتی خود را به خدا شکایت می‌کنم، چیزهایی را از جانب خدا می‌دانم که شما خبر ندارید، من هر وقت یادم از قتلگاه عزیزان زهرامی‌آید گریه مجالم نمی‌دهد. این رفتار حضرت نشان دهنده عمق و شدت مصیبت واقعه کربلاست که آن حضرت صفحه تاریخ را با ابراز ناراحتی خود همیشه باز نگه داشته و در پیش روی شیعیان قرار می‌دهد.

۱۰. نتیجه‌گیری

جهاد تبیین مصداقی از جهاد فکری است؛ یعنی تبیین مفاهیم اصلی اسلام و انقلاب اسلامی به زبان رسانه‌های مدرن با هدف زمین‌گیر کردن دشمنان. بدون تردید جهاد تبیین یکی از نیازهای اساسی امروز جامعه است و عدم انجام درست آن می‌تواند نتایج زیان‌باری به وجود بیاورد. سیره اهل بیت علیهم‌السلام بهترین الگویی برای جهاد تبیین است؛ زیرا آنها همواره می‌کوشیدند که از

فرصت‌های گرانبهایی که برای بیان دین و ارشاد و هدایت مسلمین فراهم آمده، بهره کافی گیرند و فرصت‌ها را از دست ندهند. از جمله روش‌های جهاد تبیین اهل بیت علیهم‌السلام، تربیت مبلغان و فرستادن آنها به مناطق مختلف، مناظره و بحث آزاد، خطابه و شعر، ارسال نامه و پیام، برگزاری کرسی تدریس، پرسش و پاسخ، استفاده از دعا، تبلیغ در مراسم (حج)، و جهاد تبیین با گریه است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن شهر آشوب (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب. قم: علامه.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
 ۳. البلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۷۵). جمل من انساب الاشراف. بیروت: دارالفکر.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۵. حیدر، اسد (۱۳۸۳). الامام الصادق و المذاهب الأربعة. قم: المجمع العالمی لاهل البیت علیهم‌السلام.
 ۶. رهبر، محمد تقی (۱۳۸۷). فرصت‌های تبلیغی حج. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
 ۷. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۲). مناظره‌های معصومان علیهم‌السلام. قم: توحید.
 ۸. شرتونی، سعید (۱۳۷۴). اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. تهران: دارالاسوه للطباعة و النشر.
 ۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، و حسینی اشکوری (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.
 ۱۰. فیض الاسلام اصفهانی، علینقی (۱۳۶۵). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: چاپخانه سپهر.
 ۱۱. فیض کاشانی، محمد بن محسن (۱۳۹۴). معادن الحکمه فی مکاتیب الائمة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۱۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). اصول الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۲). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲). جنگ و جهاد در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
 ۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). بیست گفتار. قم: صدرا.
 ۱۷. معلوف، لویس (۱۳۷۹). المنجد فی اللغة العربیة المعاصره. بیروت: دارالمشرق.
 ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
 ۲۰. مهنا، عبدالله علی (۱۳۷۱). لسان اللسان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲۱. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۰). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: بی‌نا.